



حسین جاری انصاری، دیپلمات پیشین در گفت و گو با ایسنا به بررسی ابعاد جنگ ایران و آمریکا پرداخت

در جهاد اکبر بعد از جنگ، اولویت ترمیم شکاف‌های داخلی است

مسأله ایران و آمریکا موازنه قدرت است و توافق وقتی اتفاق می‌افتد که موازنه، به عنوان یک امر واقع رسمیت یابد



«ایران» کارنامه دولت «وفاق ملی» در دو جنگ تحمیلی را بررسی می‌کند

دولت دفاع ملی

دولت چهاردهم را در عین اینکه دولت «وفاق ملی» است، باید دولت «دفاع ملی» هم نامید. نه فقط برای اینکه دولت با دو جنگ نظامی و دو جنگ اقتصادی تمام عیار مواجه شد، بلکه بالاتر از این: بابت دفاع در جبهه‌های

← ۳

فعالان اقتصادی خواستار بازتعریف سیاست‌های اقتصادی متناسب با شرایط کشور شدند

در ستایش نقاش برجسته ایرانی در آستانه ۹۶ سالگی

برخی تجار محلی برای دسترسی به اینترنت بین‌الملل به نزدیک مرز می‌روند

آمادگی بخش خصوصی برای بازسازی در پسا جنگ

نجیب و صلح دوست حسین محبوبی: هنر باید حال انسان را بهتر کند

بازار داغ سیمکارت‌های عراقی در نقطه صفر مرزی

← ۸

← ۱۶

← ۱۴

رونمایی از برنامه غیرقیمتی اصلاح مصرف بنزین

بازنگری در سهمیه‌های مصرفی، کاهش سهمیه افراد پرمصرف و پردرآمد، تشدید نظارت بر زنجیره توزیع و مقابله با قاچاق سوخت، توسعه مشوق‌های استفاده از حمل‌ونقل

← ۲

در گفت‌وگو با عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب بررسی شد

ریل گذاری حکمرانی آب در برنامه هفتم

← ۷



رایزنی‌های وزیر کشور پاکستان در تهران

پژشکیان: امیدوارم تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی اسلام‌آباد به تحکیم صلح، ثبات و امنیت پایدار در منطقه منجر شود
قالیباف: کشورهای منطقه با اعتماد و همکاری، زمینه ایجاد و توسعه روابط اقتصادی و همکاری‌های سیاسی و امنیتی را فراهم کنند

← ۲

تأملی درباره نسبت میراث فرهنگی، هویت ملی و قدرت تمدنی ایران

یک «استمرار تمدنی» در جهان گسست‌های تاریخی

یادداشت
سیدرضا صالحی امیری
وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

جمعی، ساختارهای فرهنگی، تخیل تاریخی، نظام معنایی و روح اجتماعی مردم خود. این «تداوم» مهم‌ترین مزیت راهبردی ایران در نظم آینده جهان است؛ نظمی که در آن رقابت اصلی ملت‌ها بر سر «روایت‌های تمدنی» و توانایی تولید معنا خواهد بود.

روز جهانی موزه‌ها و هفته میراث فرهنگی در بنیادین‌ترین مسائل ایران معاصر است: «چگونه می‌توان سرمایه تمدنی ایران را به بنیان قدرت ملی، انسجام اجتماعی و آینده تاریخی کشور تبدیل کرد؟»

این پرسش، مسأله‌ای راهبردی در سطح امنیت ملی، سیاست فرهنگی و آینده تمدنی ایران است.

تمدن، برخلاف برداشت‌های سطحی، فقط قدمت تاریخی یا تراکم آثار باستانی نیست. تمدن، ظرفیت یک ملت برای خلق نظام پایدار معنا، تولید حافظه تاریخی، سازمان‌دهی تجربه جمعی و بازتولید هویت در طول قرون است.

از همین منظر، ایران واجد یکی از عمیق‌ترین لایه‌های انباشت تمدنی جهان است؛ انباشتی که از دره‌های باستانی خرم‌آباد، شهر سوخته، چیرفت، شوش و هگمتانه تا میراث سترگ هخامنشی، ساسانی، صفوی و سنت‌های عظیم فکری، ادبی و هنری ایران امتداد یافته است. این میراث عظیم بخشی از زیرساخت قدرت آینده ایران است.

امروز در جهان مفهوم «قدرت نرم» به طور فزاینده‌ای با «قدرت تمدنی» پیوند خورده است. ملت‌هایی که واجد حافظه تاریخی عمیق، روایت فرهنگی معتبر و سرمایه‌های نمادین گسترده هستند در معادلات جهانی از ظرفیت نفوذ و ماندگاری بیشتری برخوردارند. در چنین شرایطی میراث فرهنگی به یکی از ارکان اقتدار راهبردی کشورها

تبدیل شده است. در این میان موزه‌ها جایگاهی ممتاز دارند. موزه‌ها حافظه متراکم تمدن‌ها و نهادهای تولید آگاهی تاریخی هستند. هر موزه روایتی فشرده از تجربه تاریخی یک ملت است؛ فضایی که در آن گذشته به اکنون پیوند می‌خورد و حافظه تاریخی به هویت اجتماعی تبدیل می‌شود. موزه‌ها می‌توانند نسل جدید را با ریشه‌های تمدنی خویش آشتی دهند و جامعه را در برابر فراموشی تاریخی مصون نگه دارند.

در سطحی کلان‌تر، ایران نیازمند یک «بازآرایی راهبردی» در حوزه سیاست‌گذاری تمدنی است. توسعه مطالعات تمدنی، تقویت رشته‌های تخصصی میراث فرهنگی، حمایت از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، گسترش کاوش‌های علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص، تقویت دیپلماسی فرهنگی و ایجاد شبکه‌های همکاری میان تمدن‌های بزرگ، بخشی از الزامات این بازآرایی است.

امروز بیش از هر زمان دیگری، ضرورت شکل‌گیری «دیپلماسی تمدنی» احساس می‌شود. تمدن‌های کهن باید از موقعیت منفعل خارج و به کنشگران فعال نظم فرهنگی جهان بدل شوند. جهان معاصر، در میانه بحران معنا، خشونت، افراط‌گرایی و فروپاشی‌های اخلاقی، بیش از هر زمان دیگری به بازگشت عقلانیت تمدنی نیازمند است و در این میان ایران امانتدار بخشی از حافظه تاریخی بشریت است.

از این رو صیانت از میراث فرهنگی، دفاع از تداوم تاریخی انسان، پاسداری از حافظه تمدنی جهان و تضمین آینده فرهنگی ایران است. تمدن ایرانی نباید در هیاهوی تحولات زودگذر سیاسی و اقتصادی به حاشیه رانده شود زیرا این تمدن، نه فقط روایت گذشته ایران، بلکه بنیان ماندگاری آینده آن است.

آغاز حکمرانی هوشمند در علم و فناوری

یادداشت

حسین افشین
معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس‌جمهور

امروز ایران در حوزه علم، فناوری و اقتصاد دانش بنیان، نه یک انتخاب بلکه یک الزام تاریخی پیش رو دارد. تجربه پرفرازونشیب دهه گذشته به روشنی نشان داده است که مسیر توسعه پایدار هرگز از گذرگاه خام‌فروشی، اقتصاد رانتی یا تصمیم‌های سلیقه‌ای عبور نمی‌کند. بلکه تنها در سرمایه‌های شکل‌دهنده‌ای نخبگان، نوآوری مسأله‌محور و فناوری جهت‌دار ریشه دارد. سؤال این نیست که آیا علم و فناوری مهم است یا نه؛ سؤال این است که چگونه باید آن را هدایت کرد تا به موتور حل مسأله ملی تبدیل شود.

در جهان سه الگوی اصلی برای سیاست‌گذاری علم و فناوری وجود دارد: اول، الگوی «اگوسیستم آزاد» که در آن بازار و تقاضای مسیریاب استراتژیک‌ها را تعیین می‌کنند و دولت صرفاً نقش حمایت‌گر زیرساخت‌ها را ایفا می‌کند. دوم، الگوی «حکمرانی بالا به پایین متمرکز» که در آن دولت به طور فعالانه تعیین می‌کند استراتژیک‌ها در توسعه باید. سوم، الگوی ترکیبی که موفق‌ترین کشورهای جهان - از چین و کره جنوبی تا آلمان - از آن پیروی می‌کنند؛ الگویی که با ظرفیت میان‌آزادی نوآوری و هدایت هوشمندانه برای حل مسأله راهبردی و خلق فناوری‌های اقتدارآفرین توازن برقرار می‌کند.

تجربه عینی سال‌های گذشته در ایران یک واقعیت غیرقابل انکار را آشکار ساخته است: نه اقتصاد دانش بنیان کاملاً دولتی و متمرکز می‌تواند موتور پایدار نوآوری باشد، نه رهاسازی کامل و بدون جهت‌گیری ملی قادر است مسأله راهبردی کشور را حل کند و رشد در حوزه‌های نوظهور را شتاب ببخشد. ما یک دهه گذشته شاهد رشد جوانه‌های زیست‌بوم نوآوری بودیم. استراتژیک‌ها متولد شدند، شرکت‌های دانش بنیان شکل گرفتند و پارک‌های علم و فناوری سرپراوردند. اما این رشد پراکنده بود و از بسیاری جهات فاقد عمق اثرگذاری. این یعنی ظرفیت عظیمی که ایجاد شده است باید از مرحله رشد اولیه و پراکنده عبور کند و وارد مرحله نوین «اثرگذاری ملی» شود. دقیقاً به همین دلیل است که معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری در دولت چهاردهم، با شجاعت و درک عمیق از شرایط کشور، الگویی ترکیبی و بومی‌شده را برای این حوزه در پیش گرفته است. الگویی که در آن دولت نه تصدی‌گر مستقیم فناوری است نه ناظر بی‌تفاوت، بلکه «تسهیل‌گر و راهبر» است.

در لایه پایین این الگو، آزادی نوآوری، رقابت، خلاقیت و کارآفرینی برای رشد آزاد استراتژیک‌ها و زیست‌بوم نوآوری به طور کامل حفظ می‌شود. دولت با حمایت از زیرساخت‌های فناوری و مالی، کاهش بوروکراسی‌های دست و پاگیر و تأمین مالی هوشمند، پشتیبان هر مسیری است که خود نوآوری طی می‌کند. تولید نوآوری، خلق محصول، توسعه فن‌آوری و رقابت در بازار، کار بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و نخبگان است.

اما در لایه بالا، برای بلوغ زیست‌بوم دانش بنیان و هدایت آن به سمت حل مسأله کلان کشور، دولت

نقش «هدایت‌گر راهبردی» را ایفا می‌کند. به این معنا که اولاً، حوزه‌های فناوری که به بلوغ نسبی رسیده‌اند، برای حل چالش‌های راهبردی کشور - مانند انرژی، آب، غذا و سلامت - با حمایت هدفمند و جهت‌دار هدایت می‌شوند. ثانیاً، در فناوری‌های نوظهور و اقتدارآفرین - از هوش مصنوعی و کوانتوم گرفته تا مواد پیشرفته، زیست‌فناوری، صنایع پیشرفته و اقتصاد دیجیتال - دولت با ایجاد شرایط ویژه، تأمین مالی خطرپذیر، تنظیم‌گری هوشمند و سفارش‌گذاری ملی، دانشگاه‌ها و شرکت‌های مستعد را به این عرصه‌ها سوق می‌دهد و تشویق می‌کند.

در این نگاه، حکمرانی علم و فناوری به یک بازی برد-برد تبدیل می‌شود. نخبگان میدان‌دار هستند، بخش خصوصی رقابت می‌کند، دولت جهت می‌دهد و در نهایت کشور از ثمره نوآوری بهره‌مند می‌شود. اما این الگو بدون بازتعریف مفهوم «نخبه» امکان‌پذیر نیست.

در نگاه جدید، نخبه صرفاً کسی نیست که رتبه علمی بالا دارد یا بیشترین مقاله را در مجلات بین‌المللی چاپ کرده است. نخبه کسی است که بتواند برای یک مسأله واقعی و عینی کشور - از ناترازی برق گرفته تا شورش آب‌های زیرزمینی - راه‌حلی عملی، مقیاس‌پذیر و اقتصادی ارائه دهد و در فرآیند توسعه ملی اثرگذاری واقعی داشته باشد.

حفظ نخبگان نیز هرگز فقط با افزایش بودجه‌های حمایتی و وام‌های قرض‌الحسنه محقق نمی‌شود. نخبه وقتی در کشور می‌ماند که احساس کند عضوی از تیم مقتدر آینده ایران است، نه یک نیروی اجرائی ساده. نخبه وقتی در کشور می‌ماند که ببیند ایده‌اش سریعاً به یک پروژه ملی تبدیل می‌شود و بازخورد واقعی دریافت می‌کند.

مشارکت نخبگان در تصمیم‌سازی، اعتماد به جوانان، سپردن مسئولیت‌های واقعی به آنان و ایجاد میدان بدون حاشیه ارکان اصلی حکمرانی دانش بنیان است.

چشم‌انداز نهایی این مسیر، چیزی جز تبدیل ایران به قدرتی مقتدر و پیشرو در اقتصاد دانش بنیان و فناوری‌های راهبردی در منطقه نیست. ایران مورد نظر ما کشوری است که قدرت اقتصادی، صنعتی و امنیتی خود را نه بر پایه خام‌فروشی و درآمد‌های نفتی ناپایدار، بلکه بر پایه دانش، نوآوری، سرمایه‌های انسانی و فناوری‌های بومی بنا کرده است. اما رسیدن به این چشم‌انداز، آفسون و شعار نمی‌خواهد؛ اراده، ثبات و هم‌افزایی می‌خواهد.

آینده ایران در گرو این نیست که چه مقدار نفت در مخازن هست یا چه تعداد تقاضنامه بین‌المللی امضا می‌شود. آینده ایران در گرو یک چیز است و فقط یک چیز: اینکه آیا نظام تصمیم‌گیری، قلباً و در عمل باور دارد که علم و فناوری نه یک شعار انتخاباتی و نه یک اعتبار بودجه‌ای تشریفاتی، بلکه موتور واقعی پیشرفت، اقتدار ملی و حل مسأله است؟ اگر این باور در عمل شکل بگیرد، آنگاه علم و فناوری از سطح نمایشگاه‌های فصلی و افتتاحیه‌های تشریفاتی عبور می‌کند و با صبر راهبردی، استمرار نسلی و اعتماد بی‌حاشیه به جوانان نخبه این سرزمین، به قدرت واقعی حل‌کنندگی مسأله کشور تبدیل خواهد شد. این همان نقطه عطفی است که ایران را از کشوری با استعداد‌های پراکنده، به قدرتی یکپارچه، متمرکز و پیشرو در اقتصاد دانش بنیان منطقه تبدیل می‌کند. این همان عبور از «رشد پراکنده» به «اثرگذاری ملی» است؛ مسیری که معاونت علمی در دولت چهاردهم آن را استوار آغاز کرده است.

مزایده عمومی ویژه
فروش املاک مزاد
بانک صادرات ایران
شماره ۱/۱۴۰۵

بانک صادرات ایران در نظر دارد تعدادی املاک مزاد خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و مشاهده املاک به سایت بانک به آدرس www.bsi.ir مراجعه و حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۴ نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام و یا با شماره تلفن‌های ۸۸۸۳۳۶۱۳۶ و ۰۲۱-۸۴۷۶۳۰۸۷-۸ تماس حاصل نمایند.

Iran Daily
Warn US of harsher possible onslaught
Pakistan's efforts bring lasting regional peace

ایران
بخوان

irannewspaper.ir